پشت پرده یک جنایت تکان‌دهنده در تهران؛

قتل "شیما"ی ۱۵ ساله در شکنجه‌گاه بهلول

■ **هنگامی که پلیس خانه بهلول را بازرسی کرد، من و همسرم در آنجا بودیم. خانه بهلول مثل خانه وحشت بود، تمام درزهای خانه گرفته شده و با پتو خانه را عایق کاری کرده بود.**

گروه حوادث – ظهر پنجشنبه بود که امیدشان پس از ۱۵ ماه ناامید شد؛ ۱۵ ماه به دنبال دخترش بود. روزی ۱۸ ساعت نقطه به نقطه شهر را گشت، ردش را پیدا کرد، اما هرگز به شیما نرسید. سرنوشت دختر پانزده ساله با مرگ گره خورد؛ خبر تلخی که پلیس به پدر و مادر چشم‌انتظار داد. ۱۰ روزی از انتشار کلیپی که پدر شیما منتشر کرد، می‌گذشت که تنها مظنون پرونده بار دیگر بازداشت شد و به قتل دختر گمشده اعتراف کرد.

پدر شیما از غم گم شدن دخترش در بستر بیماری

بیست‌وششم مرداد سال ۹۸ بود که شیما خانم حرف‌های پسر بدلیجات‌فروش روبه‌روی مدرسه‌شان شد. پدر دخترک می‌گوید: «از همان روز دیگر نخوابیدم و فکر پیداکردن شیما تنها دخترم لحظه‌ای رهایم نکرد؛ پسر بدلی فروش، شیما را وادار کرد خانه را ترک کند. از همان شب آواره خیابان‌ها و پس کوچه‌های تهران شدم تا ظهر پنجشنبه.»

اعتراف تلخ

بهلول معروف به محمود پس از فرازونشیب‌های فراوان حالا اعتراف کرده است؛ اعترافی تلخ که دل خانواده این دختر را بیش از هر وقت دیگری به درد آورده است. اشک پشت اشک. عزاداری می‌کنند. از غروب پنجشنبه پارچه سیاه به در خانه زده‌اند و دوستان و آشنایان با ماسک‌های روی صورت برای همدردی پا به خانه پدر دردمند می‌گذارند؛ او می‌گوید: «دیگر رنگ خوشی به خانه‌مان برنمی‌گردد و ماتم نقش همیشگی در و دیوار این خانه خواهد بود.»

شیما که از سوی آرش پسر بدلی‌فروش اغفال شده بود، پس از ساعتی به پایانه بیهقی می‌رود؛ در حالی که سرگردان و درمانده بود از طریق مغازه اسباب‌بازی فروشی با مادرش تماس می‌گیرد. گریه‌های شیما و التماس‌های مادر پشت گوشی هنوز در خانه آقای احمد صباگردی‌مقدم شنیده می‌شود؛ مکالمه آخر سیما که پلیس آن را ردیابی و ضبط شد. التماس‌های مادر هم فایده‌ای نداشت. شیما دیگر هرگز راه خانه‌شان را ندید و برنگشت؛ ربودند، اسیرش کردند و در آخر او را کشتند. عامل همه این‌ها بهلول بود؛ مردی که در پایانه بیهقی مواد توزیع و زن‌ها و دختران جوان را اغفال می‌کرد. مردی که ۷ سال پیش از همسرش جدا شد و در خانه‌ای قدیمی در چهارراه نظام‌آباد مستأجر بود.

ردیابی‌های پلیسی و پدر

احمد صباگردی‌مقدم در ادامه گفت: «پس از شکایت و اعلام فقدانی شیما، مأموران پلیس آگاهی پایگاه چهارم سیدخندان شماره‌ای را که دخترم با مادرش تماس گرفته بود، ردیابی کردند و به مغازه اسباب‌بازی‌فروشی در نزدیکی پایانه رسیدند. صاحب اسباب‌بازی‌فروشی تأیید کرد که دخترم آنجا بوده و پس از بیرون‌رفتن از مغازه به سمت پایانه رفته است.» دوربین‌های مداربسته بررسی شد. تصاویر نشان می‌داد دختر نوجوان در ساعت ۲ بامداد روی یکی از نیمکت‌های پایانه و مقابل رستوران شبانه‌روزی نشسته بود؛ اشک‌های بی‌امان شیما حتی در تصاویر مداربسته هم ضبط شده بود. پیرمردی کنار او می‌نشیند و پس از ۴۰ دقیقه صحبت با او شیما را سوار خودرو پژو سفیدرنگش می‌کند و آن‌ها می‌روند.

شناسایی شیما در رستوران بیهقی

از همان روز احمد این پدر دردمند کفش آهنی به پا می‌کند و در کوچه پس کوچه‌های تهران به دنبال سرنخی از شیما می‌گردد؛ روزی ۱۸ ساعت در جست‌وجوی تنها دخترش بود. می‌گوید: «سراغ دخترم را از همه می‌گرفتم در آخر به صاحب رستوران رسیدم. او دخترم را با آن پیرمرد روی نیمکت روبه‌روی رستوران دیده بود.» تنها او می‌دانست که بهلول دخترک را با خود برده است؛ از روی عکسی که در دستان پدر بود، تشخیص داده بود. صاحب رستوران به پدر رنجور گفته بود: «بهلول ملقب به محمود در پوشش راننده آژانس اینترنتی، ماده مخدر شیشه می‌فروشد. بهلول در کنار فروش مواد، زنان و دختران جوان را طعمه نیت سیاه خود می‌کند. زمانی که دختر شما همراه بهلول به راه افتاد با بهلول دعوا کردم و به او گفتم که این دختر خیلی کوچک است، این کار را نکن؛ اما بهلول به حرفم توجهی نکرد و گفت که این دختر تاکسی می‌خواهد قرار نیست اتفاقی رخ دهد.»

آزادی پس از نخستین بازجویی

با توجه به مستندات، بهلول به آگاهی سیدخندان احضار و بازجویی شد؛ بازجویی که خیلی زود آزاد شد و دوباره به خانه برگشت. بهلول به مأموران پلیس گفته بود که شیما را در چهارراه نظام‌آباد پیاده کرده است؛ اما این طور نبود، همان لحظه که بهلول در پلیس آگاهی این دروغ‌ها را سر هم می‌کرد، شیما در خانه این مرد زندانی بود. پدر شیما گفت: «افسر پرونده پس از بازجویی او را رها کرد و خطاب به من گفت که فکر نمی‌کنم این فرد دخالتی در این پرونده داشته باشد پس از این بود که درخواست کردم تا پرونده شیما را به اداره ۱۱ آگاهی مرکز انتقال دهند.»

۴۵ روز شکنجه

پرونده شیما در اداره ۱۱ آگاهی تهران پیگیری شد و احضار بهلول به پلیس آگاهی مرکز صورت گرفت. این بار بهلول اعتراف کرد، اما نه کامل. او ۴۵ روز شیما را در خانه‌اش زندانی کرده و او را مجبور کرده بود که شیشه مصرف کند. احمد صباگردی‌مقدم در ادامه گفت: «بهلول مقابل بازپرس شعبه ۷ دادسرای جنایی تهران گفته بود مواقعی که از خانه خارج می‌شد در را بر روی دخترم قفل می‌کرد. او همه چیز را گفت به جز اینکه دخترم کجاست.» هنگامی که پلیس خانه بهلول را بازرسی کرد، من و همسرم در آنجا بودیم. خانه بهلول مثل خانه وحشت بود، تمام درزهای خانه گرفته شده و با پتو خانه را عایق کاری کرده بود. در خانه‌اش گونی وجود داشت که حاوی ده‌ها جفت کفش دخترانه و بچگانه بود؛ اما اینجا پایان پرونده نبود. از آنجا که با وجود مستندات موجود امکان سفر شیما به مشهد وجود داشت، پرونده به دادسرا مشهد ارجاع شد، اما در آنجا هم هیچ سرنخی پیدا نشد. متهم پرونده ۴۵ روز بازداشت و تحت بازجویی بود، اما لب به اعتراف نگشود و به دلیل دسترسی نداشتن به ادله کافی مظنون شصت‌ویک ساله با قرار وثیقه آزاد شد.

انتشار یک کلیپ

پدر شیما حدودا دو هفته پیش بود که با انتشار کلیپی خطاب به رئیس قوه قضائیه، تقاضای رسیدگی به پرونده دخترش را کرد؛ کلیپی که پرده از جزئیات این آدم‌ربایی و گم‌شدن مرموز شیما برمی‌داشت. دست به دست چرخید و خیلی از کاربران این حادثه تلخ را از زبان احمد، مرد کتابداری که حالا بازنشسته است، شنیدند. بعد از انتشار این کلیپ بود که بهلول چهارشنبه، هفتم آبان، بار دیگر بازداشت شد. او به پلیس آگاهی منتقل شد. بازداشتی که پدر شیما از آن بی‌خبر بود، اما یک تماس از دوستانش کافی بود که پرونده معمایی شیما پس از ۱۵ ماه مشخص شود.

سریال ربایش دختران و زنان

پدر شیما در ادامه گفت: «صبح شنبه، دهم آبان، یکی از دوستانم تماس گرفت، می‌گفت غروب جمعه زنی در خانه بهلول اسیر شده بود. او شیشه‌های خانه را شکسته بود و با فریاد و سروصدا از همسایه‌ها کمک خواسته بود، جمعیت زیادی جمع شد و پلیس به خانه بهلول رفت. این زن هم در دام این مرد شصت‌ویک ساله اسیر شده بود. با این تماس بود که خود را جلوی خانه بهلول رساندم، همسایه و میوه‌فروش محل را دیدم و از آن‌ها پرس‌وجو کردم.» اطلاعات درست بود. بهلول یک زن دیگر را قربانی نقشه‌های سیاه خود کرده بود. آتش‌نشانی آمده بود و مأموران کلانتری نامجو. مأموران کلانتری نامجو زنی که بسیار ترسیده بود را از خانه آزاد کردند. پدر که بسیار دل‌نگران دخترش بود و در این روزها و ماه‌ها دست از جست‌وجو شیما برنداشته بود، بار دیگر خود را به کلانتری رساند. صحبت‌ها با هم مطابقت داشتند. بهلول مرد موادفروش، اما این بار دیگر نتواست قسر در برود و با توجه به مدارک و مستندات مجبور شد اعتراف کند؛ اعترافی تلخ که برای پدر و مادر شیما گران تمام شد.

کشف جسد در روستای کلیبر

او در بازجویی‌ها سرانجام اعتراف کرد که شیما را به قتل رسانده و جسدش را کنار رودخانه در روستای زادگاهش دفن کرده است. همین اعتراف کافی بود تا تیم جنایی و قضائی به روستا بروند و جسد دختر پانزده ساله را پیدا کنند. احمد صباگردی می‌گوید: «شیما دختری باهوش بود. او در رفاه کامل زندگی می‌کرد. معلم خصوصی زبان خارجه و ریاضیات و موسیقی داشت. هر چیزی که می‌خواست سریعا برای او فراهم می‌شد. شیما را اغفال کردند. از آن مرداد ۹۸ سیاه‌روز شدیم. مادرش به‌شدت شوکه شده است؛ حتی فکرش را هم نمی‌کردیم چنین بلایی سرمان بیاید. دخترم بی‌گناه بود. هنوز از جزئیات قتل و چرایی این جنایت خبری نداریم. تنها چیزی که می‌دانم این است که بهلول به قتل اعتراف کرده است. جسد دخترم را هم در روستای کلیبر در استان آذربایجان شرقی دفن کرده است. و اما؛ نخستین گفتگو با پدر شیما دختر ۱۵ ساله تهرانی که اسیر شیطان شد پدر شیما چندی پیش با حضور در دفتر یکی از خبرگزاری‌ها از روند پرونده دخترش دلگیر بود و حتی گفت که یک مرتبه تا ۲ قدمی اثابت ربودن دخترم توسط بهلول پیش رفتم اما با کم کاری مامور آگاهی این اتفاق رخ نداد.

ماجرای قتل شیما چیست؟

پدر شیما گفت: ناپدید که نه، ربوده شده بود. دخترم ۳ مرتبه از خانه فرار کرد نخستین فرار او مرداد ماه سال ۹۸ رقم خورد. آن روز توانستیم شیما را در خانه یکی از دوستانش پیدا کنیم و به خانه برگردانیم. دوستی که شیما در خانه اش پناه گرفته بود از سوی پدر اعدامی و از سوی مادر توزیع کننده شیشه است. دو هفته بعد شیما برای بار دوم از خانه رفت شیما را دوباره یافتم اما با این فرق که شیما به موادمخدر شیشه آلوده شده بود. تصمیم گرفتم خیلی مراقب شیما باشیم و تا زمانی که شیشه از سرش بیرون رود در خانه را به رویش قفل کردم و با مشاوره قصد حل کردن مشکلش را داشتم.

شیما پس از اینکه از خانه مان در نارمک به پایانه بیهقی رفته بود از طریق مغازه اسباب بازی فروشی در همان نزدیکی به مادرش زنگ زد و سراغ من را گرفته بود و هرچه مادرش التماس او را می کند که برگردد تلفن را قطع کرد و همین آخرین تماس ما با شیما بود. پس از شکایت و اعلام فقدانی شیما، ماموران پلیس آگاهی پایگاه چهارم سید خندان شماره ای که دخترم با مادرش تماس گرفته بود را ردیابی کردند و به مغازه اسباب بازی فروشی در نزدیکی پایانه رسیدند. صاحب اسباب بازی فروشی تایید کرد دخترم آنجا بوده و پس از بیرون رفتن از مغازه به سمت پایانه رفته است. با چک کردن دوربین های مداربسته مشخص شد دخترم ساعت ۲ بامداد روی یکی از نیمکت های پایانه و مقابل رستوران شبانه روزی نشسته بود و حتی دوربین رستوران تصویر دخترم را ضبط کرده است. در فیلم دوربین مداربسته دیده می شود شیما در حال گریه کردن بوده که پیرمردی کنار او نشسته و پس از ۴۰ دقیقه صحبت با او، شیما را سوار خودرویش کرد و دیگر مشخص نبود چه بلایی سر دخترم آمده است. پدر شیما ادامه می دهد: سراغ دخترم را از هر شخصی که آنجا بود گرفتم که در آخر صاحب رستوران سر رسید و خطاب به من گفت که دخترت شال صورتی و کوله پشتی داشته است؟

بله او گفتم بله، دخترم را دیده اید؟ سپس عکس شیما را به آن جوان نشان دادم.

صاحب رستوران وقتی عکس شیما را دید نگاهی به من کرد و گفت: دخترت روی همین نیمکت پایین نشسته بود که "محمود" او را با خودش برد. فیلم را به صاحب رستوران نشان دادم و گفتم: محمود، این شخص را می گویید؟

متاسفانه آن جوان صحبت هایی کرد که دست و پایم شروع به لرزیدن کرد. او گفت: محمود اسم واقعی اش "بهلول" است، شغل او راننده تاکسی نما، اما در اصل ماده مخدر شیشه می فروشد. بهلول درعین حال مغز زنان و دختران شهرستانی یا تهرانی را شست و شو می دهد که به هر دلیلی از خانه خارج شده اند و پایشان به پایانه بیهقی باز شده است. زمانی که دختر شما همراه بهلول به راه افتادند سریعا مقابل بهلول ایستادم و به او گفتم که این دختر خیلی کوچک است، این کار را نکن؛ اما بهلول به حرفم توجهی نکرد و گفت که این دختر تاکسی می خواهد قرار نیست اتفاقی رخ دهد.

"باتوجه به سرنخ های موجود پلیس بهلول را به آگاهی سیدخندان احضار کرد و پس از یک بازجویی او آزاد شد!."

بهلول به ماموران پلیس گفته بود که شیما را در چهارراه نظام آباد پیاده کرده است. اما اینطور نبود، همان لحظه که بهلول در پلیس آگاهی این دروغ ها را سرهم می کرد، شیما در خانه این شیطان زندانی بود.

پدر شیما گفت: افسر پرونده پس از بازجویی از بهلول او را رها کرد و خطاب به من گفت که فکر نمی کنم این فرد دخالتی در این پرونده داشته باشد. من که حسابی تعجب کرده بودم وقتی دلیل اینکه چرا اینچنین فکر می کند را جویا شدم، گفت: او آدم حسابی است زن وبچه اش در ترکیه زندگی می کنند و حتی اول کد تلفن همراه اش با یک شروع می شود!! این حرف ها را که شنیدم درخواست کردم پرونده شیما را به اداره ۱۱ آگاهی مرکز انتقال دهند.

باید این موضوع را اضافه کنم؛ زمانی که بهلول برای نخستین بار به آگاهی سیدخندان احضار شد با این فکر که با خودرویش به آگاهی می آید برادرم را مقابل اداره پلیس قرار دادم تا بهلول را تعقیب کند. اما هنگامی که بهلول از اداره پلیس بیرون آمد سریع به سمت موتورسواری که از قبل منتظرش بود رفت و متواری شد. پدر شیما می گوید: پرونده شیما در اداره ۱۱ آگاهی تهران پیگیری شد و احضار بهلول برای آخرین مرتبه به پلیس آگاهی مرکز صورت گرفت. این بار کارآگاهان با ترفندهای تخصصی بهلول را به حرف آوردند و او مجبورش شد اعتراف کند. بهلول تایید کرد شیما، دختر من به مدت ۴۵ روز در خانه اش زندانی بود و هرروز شیما را به ماده مخدر شیشه آلوده تر می کرد او حتی گفت: روزی که اولین بار به آگاهی سیدخندان احضار شدم شیما در خانه ام زندانی بود.

قاتل بلاخره اعتراف کرد

پدر شیما در نخستین گفتگویش پس از باخبر شدن از قتل دخترش توسط بهلول ۶۲ ساله گفت: قاتل سه روز پیش به قتل شیما اعتراف کرد و گفته که جسد دخترم را در روستای زادگاهش در کلیبر آذربایجان شرقی کنار رودخانه دفن کرده است. پلیس پس از اعتراف بهلول مداوم این منطقه را با بیل مکانیکی مشغول گشتن است اما به این خاطر که ۲ سال از قتل شیما گذشته فکر نمی کنم هیچ چیز از دخترم باقی مانده باشد.

پدر شیما در ادامه گفت: قبل از دستگیری بهلول با دستور رئیس قوه قضاییه یکی از همکاران که در نزدیکی خانه بهلول ساکن است به من گفت که یک شب صدای فریاد زنی و شکستن شیشه های خانه بهلول توجه مان را جلب کرد. در ادامه مشخص شد این قاتل که با قرار وثیقه آزاد بود یک زن را در خانه اش مخفی کرده بود. یقین دارم بهلول سر زنان و دختران دیگر هم چنین بلایی را آورده است. کاش زمانی که شیما هنوز در خانه قاتل زندانی بود پلیس خانه این شخص را می گشت؛ قاتل آدم ربایی کرده بود و چون دختر من در آن زمان زیر ۱۵ سال داشت حکم این شخص قصاص صادر می شد و من فکر می کنم برای اینکه گیر نیافتد دست به چنین کار وحشیانه ای زده است.

اعدام هرچه سریعتر بهلول درخواست پدر داغدیده

پدر شیما که پس از هزاران کش و قوس های فراوان بلاخره قاتل دخترش به این جنایت اعتراف کرد پس از تشکر از رئیس قوه قضاییه، اعدام هرچه سریعتر بهلول ۶۱ ساله را خواستار شد.

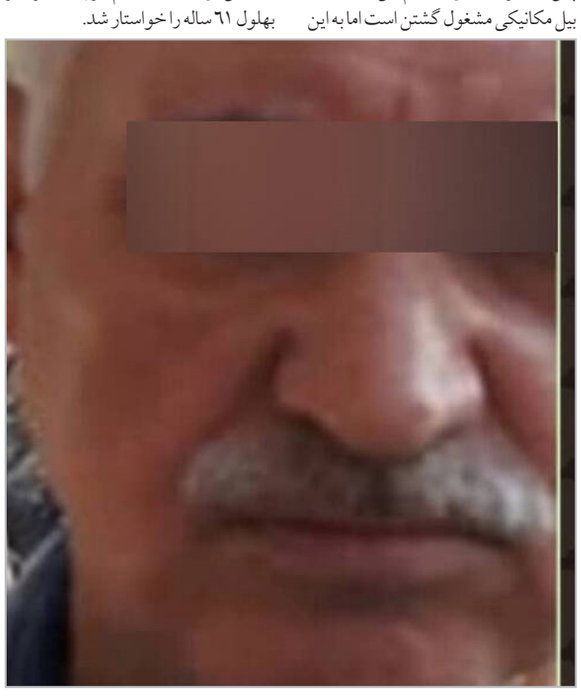

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

استخدام مفقودی
خدمات خرید و فروش و ...

شرکت پترو کاریز امید کیش جهت تکمیل پرسنل خود استخدام می کند:
۱. یک نفر کارگر فنی خدماتی ۲. یک نفر نگهبان
شرایط:
– دارای ضامن معتبر – مدرک تحصیلی حداقل دیپلم
– سن حداکثر ۳۰ سال – مقیم کیش
متقاضیان با در دست داشتن مدرک شناسایی معتبر جهت مصاحبه شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۴ الی ۱۷ مراجعه نمایند
آدرس: شهرک صنعتی شماره ۳ خیابان نفت قطعه ۷۸
شرکت پترو کاریزامیدکیش

شرکت کیش بتون جنوب جهت تکمیل کادر پرسنلی خود از افراد ذیل دعوت به همکاری می نماید.
– کارگر ساده جهت تولید ۴ نفر
– راننده پایه یک (میکسر و تریلی) جهت تردد داخل جزیره ۲ نفر
– راننده پایه یک (بونکر سیمان) جهت تردد سرزمین اصلی ۱ نفر
– فوق دیپلم مکانیک ۱ نفر
تلفن کارخانه : ۷-۴۴۴۲۰۵۶۶-۰۷۶
تلفن همراه : ۰۹۳۴۷۶۹۷۹۸۳

به یک کارگر ساده نیازمندیم
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۸۶۴۵۲

به یک نیروی آشنا به کارهای تأسیساتی (لوله کشی و برق) ساکن کیش نیازمندیم
شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۲۴۷۸

به تعدادی نیروی نگهبان، خدماتی، باغبان و کارگر بنا نیازمندیم
داشتن گواهی عدم اعتیاد ضروری می باشد
شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۸۷۰۱۲

استخدام گرافیست
گرافیست آشنا با فتوشاپ و این دیزاین جهت کار در یک مؤسسه مطبوعاتی مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۴۹۹۹

دعوت به همکاری خبرنگار
جهت فعالیت در نشریه
تلفتن تماس: ۰۷۶-۴۴۴۲۴۹۹۹

خدمات

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت واپلیکیشن
www.F4k.ir

شرکت آریا اطلس کیش
اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی
حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزوده، حقوق و دستمزد
تلفن مرکز: ۰۷۶۴۴۴۴۶۱۱۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳
آدرس: خیابان ساحل، بازار دیپلمات، طبقه اول تجاری واحد ۱۰۹

کار در ارتفاع
شرکت ارتفاع کاران اورست پارسیان
داربست فقط هزینه اضافه است!
– زنگ‌زدایی و پاشش ضدزنگ
– شستشوی شیشه‌های نما
– پیچ و رول‌پلاک سنگ‌نما
– نانو عایق کاری نما
– احیای نماهای چوبی (ترموود) و ...
۰۹۱۳۰۵۴۳۳۹۳ / ۰۹۳۶۷۸۸۳۲۹۶

بافت مو هانیه
با ۴۰٪ تخفیف ویژه
(با ۷ سال سابقه کار در پلاژ بانوان)
hanibaftkish
۰۹۳۹۱۴۴۷۱۱۳

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیازمند یهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.